

مردم قاتلین را میشناسند

علیه بشریت، خامنه ای ها، رفسنجانی ها، خاتمی ها، رهبرها و مرجع ها و رئیس جمهورها، وزراء و وكلا و سردارها و حكام شرع، همه را در يك صف بلند به دادگاههای مردمی خواهیم برد. آنجا مفصل، علنی، زنده، جلوی دوربین های رسانه های بین المللی و چشمهان ناباور مردم جهان، حقایق یکی از خونبارترین دوره های تاریخ قرن بیستم را از زبانشان خواهیم شنید. آن روز اصلا دور نیست.

mhekmat@yahoo.com

طیف وسیع اوباشی که هیات حاکمه در ایران را تشکیل میدهند و بیست و چند سال است از روی لیست رسمی و تایپ شده مخالفان حکومت را در داخل و خارج ایران ترور میکنند برده شود. عده ای چاقوکش جزء از حقوق بگیران وزارت اطلاعات و یاران وفادار رهبر و نظام را با نام مستعار و قیافه ناشناس آوردند و بردند و حکم دادند. به آنها قول دادند که مویی از سرشان کم نمیشود. جرم را قتل "عادی" و پرونده را یک شکایت خصوصی اعلام کردند، با علم به اینکه

اما ما، مردم، قاتلین را خوب میشناسیم. از ابتدا میشناختیم. این پرونده هنوز باز نشده است. آمرین و عاملین این قتل ها، و دو دهه جنایت

مضحکه محاکمه "آمرین و عاملین" قتلهای زنجیره ای پایان یافت. همه چیز مطابق انتظار مردم پیش رفت. همه میدانستند که این نمایش برای ماستمالی کردن قتلهایی است که جوخه های مرگ حکومت اسلامی به دستور بالاترین مقامات رژیم اسلامی انجام داده اند. نگذاشتند نامی از سید علی خامنه ای، هاشمی رفسنجانی، محمد خاتمی، دری نجف آبادی، اژه ای، فلاحیان، حسینیان، شاهرودی، مهدی کروی، دار و دسته کیهان، چوپانهای انصار حزب الله و

روز ۱۰ بهمن (۲۹ ژانویه) کارگران سد کارون ۳ همچنان در حال اعتصابند. در اطلاعیه روز ۹ بهمن اطلاع دادیم که مدیریت شرکت سایبر، با تبنای شورای تامین امنیت و وزارت کار استان خوزستان، فعالیتهای سد کارون ۳ را از روز ۹ بهمن تعطیل کردند. در اعتراض به این اقدام، جمعی از کارگران در مقابل فرمانداری شهر ایذه تجمع کردند.

فرمانداری ایذه برای جلوگیری از کشیده شدن اعتراضات به شهر و پیوستن مردم به تجمعات کارگران، از مدیریت شرکت سایبر میخواهد فوراً سرویس در اختیار کارگران قرار دهد تا کارگران را به سر کار ببرد. امروز ۱۰ بهمن بخشی از کارگران با

سرویسهای شرکت به سر کار میروند. از طرف دیگر کارگران اخراجی جلو تونل اصلی سد کارون راه بندان ایجاد میکنند و کارگران حاضر در کارگاه نیز حاضر به کار نمی شوند. حمایت مردم ایذه و کارگران مراکز صنعتی از مطالبات کارگران شرکت

اعتصاب کارگران سد کارون ۳ ادامه دارد

اطلاعیه خبری شماره ۳ در مورد اعتصاب کارگران سد کارون

سایبر، این اعتصاب را گام بزرگی به جلو سوق خواهد داد.

زنده باد اتحاد آزادی، برابری، حکومت کارگری

حزب کمونیست کارگری
۱۰ بهمن ۱۳۷۹

انترناسیونال

هفتگی

حزب کمونیست کارگری ایران

سردبیر: منصور حکمت

www.haftegi.com

۳۹

۱۴ بهمن ۱۳۷۹

۲ فوریه ۲۰۰۱

جمعه ها منتشر میشود

کنفرانس نهم
تشکیلات سوئد

کنفرانس سالانه
تشکیلات آلمان

صفحه ۴

به حزب کمونیست کارگری

کمک مالی کنید

رادیو انترناسیونال

۹ تا ۹/۴۵

بوقت تهران
۴۱ متر

۷۵۲۰ کیلوهرتز

به دیگران اطلاع بدهید

radio7520@yahoo.com

تلفن

0044 771 461 1099

مرکز اطلاعات

و پیامگیر رادیو:

0044 208 962 2707

حمید تقوایی

این جانوران باید بروند

نه جناب مصباح، علت جنایات جمهوری اسلامی روشن است. همانطور که دلیل جنایات ناسیونالیسم و قومپرستی و آپارتاید و فاشیسم بر همه روشن است. فرق رژیم ایران با بقیه اینست "آنچه خیوان همه دارند" این رژیم به تنهایی دارد. فرقی اینست که آپارتاید و فاشیسم قرن بیستم را با ارتجاع مذهبی حکومتهای قرون وسطایی یکجا جمع کرده و بر سر مردم آوار کرده است. ویژگی این رژیم در آنست که تکنولوژی قرن بیستم را در خدمت ارتجاع قرون وسطایی بکار گرفته و ماشین شکنجه و قطع دست، و شاید

صفحه ۳

فاجعه سنگسار و قصاص و صد هزار اعدام در ایران. اینها همه نهایتاً نتیجه مقاومت و تعرض ارتجاع جهانی، ارتجاع پاسدار حاکمیت سود و سرمایه بر جهان، در پاسخ به انقلابها و مبارزه مداوم مردم دنیا برای رهایی و آزادی است. دول غربی حامی حکومت شاه، نتوانستند در برابر انقلاب ۵۷ بایستند، اسلام را از در پشت وارد میدان کردند. رژیمی را بر سر کار آوردند که امروز جایگاه برجسته ای در لیست فجایع قرن بیستم پیدا کرده است. حکومتی که با رکورد اعدامها و قطع دست و سنگسارهایش در تاریخ ثبت خواهد شد.

جنایاتی نظیر آنچه جمهوری اسلامی امروز در ایران مرتکب میشود را توجیه میکردند. رژیم اسلامی ایران نیز باید در کنار این همپالکیهایش بگور سپرده شود.

امثال مصباح یزدی هر دلیلی برای جنایاتشان داشته باشند، جمهوری اسلامی نتیجه همان عوامل و دلایلی است که دیگر فجایع قرن بیستم را بار آورد. فاجعه بخون کشیدن دنیا در دو جنگ جهانی، فاجعه هیروشیما و ناکازاکی، فاجعه فاشیسم و کوره های آدمسوزی، آپارتاید افریقای جنوبی، تسویه حسابهای خونین قومی و ملی و نژادی در نیمی از اروپا، و فاجعه طالبان در افغانستان و

" هزار دلیل در اسلام آمده که دست سارق را قطع کنید، زن و مرد بدکاره را تازیانیه بزنید..." مصباح یزدی

به همین هزار دلیل جناب مصباح شما و رژیمتان باید گورتان را کم کنید، باید دست اسلام و حکومت اسلامی از جامعه قطع شود و جانورانی نظیر شما به دادگاههای مردم سپرده شوند.

هیتلر هم هزار دلیل برای برتری نژاد آلمانی داشت، یان اسیت و بوتاهم هزار دلیل برای آدم بحساب نیاروردن سیاهپوستان داشتند و در سراسر قرون وسطا هم کلیسای اروپا در غرب و امپراتوری عثمانی در شرق با هزار دلیل

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

گفته های هفته

علی جوادی

ali_javadi@yahoo.com

اسلام در تقابل با عقل و شعور!

اسلام و دموکراسی مترادف یکدیگرند! این یک رکن پایه‌ای تبلیغات نظری دوم خردادیهاست. قرائت دیگری از اسلام است که دوم خردادیهها بمنظور تداوم حکومت اسلامی علم کرده‌اند. این دستکاری در اسلام مورد استقبال دول و رسانه‌های غربی قرار گرفت. هیاهو و جار و جنجال بسیاری بر محور آن شکل گرفت. نیروهایی از اپوزیسیون کند ذهن، از جمله "راه کارگر" با هیجان به استقبال آن رفتند. رسانه‌های غربی الگوی جدیدی از اسلام و حکومت اسلامی برای کشورهای اسلامزده یافتند. بی بی سی و سی ان ان گمشده خود را، آخوندهای مدرن و امروزی را به یکباره پیدا کردند و زیر پوشش خبری خود قرار دادند. سروش پرچمدار نظری این جریان، لوتر "جهان اسلام" لقب گرفت. متعاقباً دعوا بر سر احکام پایه‌ای اسلام و تعابیر از این اصول به یک کشمکش گسترده تبدیل شد. اما این تقابلی سیاسی است. از دست و پا زدنهای جناح‌های حکومتی اسلامی برای بقاء نشأت گرفته است. بیان و جلوه دیگری از جدال جناح‌های رژیم‌ی رو به احتضار است. در این دعوا طرف ارتدوکس از صراحت خیره کننده‌ای برخوردار است. ملاحسنی امام جمعه ارومیه جوهر اسلام و رابطه‌اش با دموکراسی را اینگونه بیان میکند. "آنهايي که طبل دموکراسی را می‌زنند، می‌گویند دموکراسی با اسلام سازگاری دارد، من می‌گویم ندارد، بلکه ۱۸۰ درجه در تناقض است. .. مبانی دموکراسی غربی عبارتند از عقل و تجربه و امیال انسانی، در حالی که مبانی دین "وحی الهی" است. در اسلام قانونگذار خود خداست در دموکراسی عقل اکثریت و امیال انسانی است در حالی که قرآن می‌فرماید اکثریت عقل و فهم ندارند." راستش در این دعوا حق با ملاحسنی است. ایشان بهتر میدانند. اسلام کوچکترین خوانایی با "عقل و تجربه و امیال انسانی" ندارد. هر چه هست جهل و خرافه و ضدیت با انسان است. این سید حسنی قبلاً نیز در قضاوت و

جنایت خمینی، که این روزها سالروز ورودش را جشن می‌گیرند، گفته بود: "اگر آنها یک میلیون نفر هم باشند، یک شبه دستور میدهم همه اینها را به رگبار ببندند و قتل عام کنند." این تعلیم عالیله قرآن راهنمایی جمهوری خون و خدا و خفقان است. گورشان را باید گم کنند!

تحصیل زنان، مصیبت اسلام!

"معاون آموزشی دانشگاه الزهرا گفت از افزایش تعداد دانشجویان دختر نسبت به پسر در دانشگاه‌ها نگران هستیم. دکتر مهین پناهی افزود: سیستم گزینهای کنکور و عطش زیاد دختران به تحصیل باعث شده که دختران موقعیت تحصیلی بیشتری پیدا کنند و اگر این روند ادامه داشته باشد، قطعاً مدیران و روسای پنج تا ۱۰ سال آینده کشورمان را زنان تشکیل خواهند داد." (حیات نو) اسلام در خطر است! این خانم دکتر گوشه‌ای از نگرش اسلام به زن را بیان میکند. تحصیل و برخورداری از علم و دانش زنان فی‌النفسه یک مصیبت و فاجعه برای حکومت اسلام است. به این اراجیف صحبت‌های اخیر مرعشی معاون قوه قضائیه را نیز اضافه کنید. تصویر و نگرش کاملتری از اسلام نسبت به زن بدست می‌دهد: "اگر مرد، زن را سرپرستی نکند زن به تنهایی نمیتواند از خود دفاع کند." واقعیت این است که در اسلام زن "کشتزار مرد" است. موجود دیگری است. از انسان کمتر است. در حکومت اسلامی بخاطر جنسیتش همواره تحت تعقیب است. مجرم است. حکومت اسلامی بیش از دو دهه برای پیشبرد این باورها، شلاق زد، اسید پاشید، زندانی و سنگسار کرد، اما علیرغم این همه توحش قادر نشد الگو و تصویر خود را از زن بر جامعه تحصیل کنند. این نگرانی تنها بخش کوچکی از مشغله‌های امروزی مسئولان حکومتی است. امروز زنان یک نیروی اصلی جنبش توده‌ای برای سرنوشت جمهوری اسلامی را تشکیل میدهند. خلاصی از شر اسلام پیش شرط آزادی زن است.



تردیدهای خاتمی و

نیروهای تحتانی دوم خرداد!

نشریه "حیات نو" می‌پرسد: "اصلاح طلبان اگر از صحنه کنار بروند، چه اتفاقی رخ خواهد داد؟" این یک مشغله مهم دوم خردادیهاست. محمد حسین ادیب از نیروهای تحتانی جبهه دوم خرداد در پاسخ به این سؤال می‌گوید: "اصلاح طلبان نباید استراتژی خود را ماندن در قدرت به هر قیمت قرار دهند. اصلاح طلبان باید برای ماندن در قدرت خط قرمز تعیین کنند." و اضافه میکند: "اگر ادامه اصلاحات غیر ممکن شود استراتژی اصلاح طلبان باید تغییر کند. در چنین حالتی اصلاح طلبان باید به جای تصرف قدرت، به صورت جناح منقذ دولت عمل کنند. در صورت مسدود شدن همه راه‌های اعمال اصلاحات، این جناح باید از پذیرش پست‌های اجرایی خودداری کند." اما واکنشها در حول و حوش این جبهه متفاوت است. از التماس تا تهدید، هر سیاستی آزمایش میشود. عکس العمل نیروهای تحتانی دوم خرداد در خور توجه است.

"اکثریتی های" نگون بخت که نتوانستند با خاتمی و مجلس‌اش به مشروطه شان برسند و کفش و کلاه نکرده بلیطشان باطل شد، می‌گویند: "محمد خاتمی در انتخابات آتی نه تنها کاندیدای اصلاح طلبان بلکه کاندیدای "نظام" نیز هست." درست می‌گویند. از اینرو به جناح راست ملت‌مسانه هشدار میدهند. پیامدهای حضور خاتمی را برای "نظام" و جناح راست یادآوری میکنند: "خاتمی علیرغم همه شور بختی‌هایی که برای آن‌ها به همراه دارد، بقا و ادامه حاکمیتشان را نیز تضمین کرد." محمد قراقرزلو همین سیاست را با سر فرود آوردن کامل در مقابل جناح راست چنین بیان میکند: "به راستی آیا حضور خاتمی و جبهه دوم خرداد، برای

تداوم فعالیت سیاسی اقلیت راست یک ضرورت حیاتی نیست؟ بدین ترتیب آیا نمیتوان گفت که بخشی از سود پیروزی خاتمی در انتخابات به طور غیر مستقیم به حساب جناح راست واریز خواهد شد؟" در یاس و ناامیدی به خود دلداری میدهند: "هنوز کسی در حکومت جمهوری اسلامی نمیتواند تصور "ایران بدون خاتمی" را در چهار ساله آتی داشته باشد." می‌گویند: "هیچ کسی نمیتواند تصور کند "نظام" بدون خاتمی. . چگونه با دشواری‌ها دست و پنجه نرم خواهد کرد. بدون خاتمی، سیاست "آرامش فعال" بی آینده خواهد بود، بدون خاتمی، سیاست صبر و انتظار به پایان خود خواهد رسید. بدون خاتمی کنترل خشم و نارضایتی دانشجویان، جوانان، زنان و کارگران میسر نخواهد شد." واقعیت را می‌گویند کنار رفتن حائل دوم خرداد و خاتمی رژیم اسلامی را بدون حفاظ این جبهه و لخت و عور در مقابل مردم معترض قرار خواهد داد. رژیم اسلامی بدون خاتمی شکننده تر است. از اینرو نتیجه می‌گیرند که: "پس "خاتمی باید بماند! و می‌ماند." علی کشتگر که گویا اخیراً از پیچ پیچ‌های اندرونی رهبر نیز مطلع شده است. می‌گوید: "انصراف خاتمی به معنی پذیرش اصلاح ناپذیری جمهوری اسلامی است." و "انصراف خاتمی از نامزدی دوره هشتم ریاست جمهوری به مفهوم پایان این فرصت

و آغاز شکل‌گیری جنبش اعتراضی ملی (تظاهرات خیابانی، اعتصابات و نافرمانی عمومی) برای تعیین تکلیف نهایی با استبداد دینی حاکم بر ایران است خاتمی باید بجای ترک صحنه تا به آخر در برابر جناح راست بماند." تقریباً متفق القولند که "خاتمی آخرین شانس و آخرین گزینه نظام برای ادامه حاکمیت جمهوری اسلامی بوده و هست." اما برخلاف تصورات محمد حسین ادیب، استراتژی دیگری در کار نیست. دوم خرداد در بن بست است. کابوس خرداد ۸۰ نزدیک است. ادیب مایوسانه می‌پرسد: "عقلای محافظه کار اندیشه کنند جز دست برداشتن از اصلاحات چه راهکار دیگری برای اصلاح طلبان باقی گذاشته‌اند؟" اما در این میان گویا گوشه‌ای از دعاهایشان مستجاب میشود: عسگر اولادی دبیر جبهه موتلفه اسلامی صدای استغاثه این نیروها را شنیده است. دستی به سر و رویشان میکشد، به "قاعده بازی" ملتزم میشود: "کاندیداتوری ایشان (خاتمی) قطعاً مفید است و باید کسی که ۴ سال خدمت کرده، دو باره خود را عرضه کند. . . ما هم به دنبال معرفی اصلاح هستیم و اگر نامزدی اصلح باشد، حتی اگر جزو تشکلهای جناح ما نباشد، از او حمایت میکنیم."

انجمن مارکس لندن

برنامه فوریه و مارس ۲۰۰۱

ورود برای عموم آزاد است

شنبه ۲۴ فوریه منصور حکمت

بازخوانی کاپیتال مارکس (سمینار اول)

ورودیه ۱۰ پوند اعضای انجمن رایگان

شنبه ۲۴ مارس منصور حکمت

تحولات ایران: آیا کمونیسم میتواند پیروز شود؟

ورودیه ۶ پوند اعضای انجمن رایگان

Tel: 0771 461 1037

Fax: 0870 133 4206

Email: marx@society@yahoo.com

Website: www.marxsociety.com

باز کرده است. اما هدف واقعی این سیاست ارباب بیشتر مردم و منحرف کردن اذهان از مشکلات اجتماعی ای است که مسبب واقعی آن خود رژیم جمهوری اسلامی و نظام سرمایه داری است. مردم ایران باید هوشیارانه به این تحولات رژیم اسلامی برخورد کنند و آنها را با شکست مواجه کنند. باید با تبدیل کردن هر صحنه حمله فاشیستی به مهاجرین و یا اجرای سیاست مجازاتهای اسلامی در ملا عام، به یک اعتراض توده ای علیه رژیم اسلامی به مقابله برخاست.

اسلام را بعنوان "فرهنگ و مکتب انقلابی خودمان" در برابر مدرنیسم غربی علم کردند. جنبش ارتجاعی ای که میراث داران امروزشان دو خردادی ها داخل و خارج حکومتند.

اما امروز آنچه در برابر انقلاب ۵۷ علم شد خود می‌رود که انقلابی به مراتب عظیم تر را در ایران دامن بزند. جمهوری اسلامی به حکم همان جنبشی که در مقابل فاشیسم و آپارتاید ایستاد باید برود.

قرن بیستم تنها قرن هیتلر و هیروشما و آپارتاید نبود، قرن مارکس و انقلاب اکبر و کمونیسم هم بود. قرن جنبش آزادی و رهائی بشریت از یوغ جامعه طبقاتی و بردگی و تاجر دیروز و امروزش نیز بود. ما پرچمدار این جنبشیم. اگر جمهوری اسلامی نماینده و جرشومه ارتجاع قرن بیست است، ما ادامه و نماینده مبارزات پیگیری هستیم که در سراسر قرن در مقابل این ارتجاع ادامه داشته است. این جنبش روشنگری انقلاب کبیر فرانسه، جنبش مقاومت علیه فاشیسم، جنبش ضد آپارتاید است. این دیگر جنبش آل احمد و شریعتی نیست، جنبش "کارگر نفت ما رهبر سرسخت ما" ست که در همان انقلاب ۵۷ پرچمش را علیه آپارتاید بلند کرد. این بار این جنبش با حزب و برنامه و رهبران و فعالینش بمیدان آمده است. ما این بار اجازه نمیدهیم ارتجاع حاکم را با ارتجاع دیگری جانشین کنند. جامعه ایران رنسانس و اتمه نیسم و سکولاریسم را بتاریخ بدهکار است. زمان این تسویه حساب فرا رسیده است.

که با دامن زدن به تبلیغات فاشیستی علیه شهروندان افغانستانی و با توسل به طرحهای دستگیری و سرکوب خشن مهاجرین، سیاست پاکسازی قومی را در ایران اجرا کند. جمهوری اسلامی در متن بن بست و بحران وخیم سیاسی و اقتصادی و گسترش روز افزون اعتراضات مردم، حمله به حلقه های ضعیف جامعه مانند مهاجرین و معتادین را گسترش داده است. رژیم اسلامی روی اینکه احتمالا جامعه حساسیت کمتری در عکس العمل به این سیاستها از خود نشان خواهد داد حساب

از صفحه ۱

این جانوران باید بروند

هم ماشین غربال سنگ باندازه قرآنی مناسب برای زجرکش زنان تا نیمه در خاک مدفون شده، اختراع کرده است.

حتی حاضر و آماده و در دسترس بودن این شکل حکومتی نیز برای سران دول غربی که در کنفرانس گوادولوپ "راه حل" انقلاب ۵۷ را در اسلام پیدا کردند، ریشه در سیر ارتجاع فتووالی-سرمایه داری در ایران قرن بیستم دارد.

اروپا از قرنهای قبل، با رنسانس و انقلاب کبیر و انقلاب صنعتیش با مذهب تسویه حساب کرده بود و در سطح سیاسی و فرهنگی و علمی و فلسفی و در سطح کل جامعه مذهب را عقب رانده بود. اما در ایران هیچگاه این تسویه حساب انجام نگرفت. اولین جرقه های روشنگری علیه مذهب در انقلاب مشروطه زیر یورش مشروعه دفن شد و در تمام دوره های بعد نیز مذهب در مقابله با خیزشها و جنبشهای آزادیخواهانه مردم نقش فعالی ایفا کرد. بورژوازی پخمه ایران که از بالا بقدرت سیاسی خزید، نه تنها هیچگاه پرچم اتمه بیسم و سکولاریسم را بلند نکرد، بلکه در هراس از انقلاب کارگران و خطر سرخ بزیر عباي آخوند پناه برد و مذهب را بعنوان سنگر ارتجاع در صحنه سیاست ایران نگاهداشت. بویژه در دو دهه بعد از کودتای ۲۸ مرداد، خیل باصطلاح "روشنفکران" عقب مانده و شرقرزه میداندار شدند و ارتجاع



سیاوش دانشور

siavash.d@yahoo.com

قتلهای زنجیره ای

عواملشان به اجرا در آوردند. اما سناریو مطابق نقشه پیش نرفت. بعد که فهمیدند با یک "بحران ملی" روبرو شدند بند و بست کردند و وزارت اطلاعاتشان در همان اطلاعیه معروف مسئله را به چند عنصر "خاطی و خود سر" نسبت داد. بعد هم سعید امامی را "واجبی خور" کردند و نهایتا امروز در بند و بست جدیدشان چند عامل دست چندم را، که معلوم نیست چه نقشی داشتند، محکوم به قصاص و اعدام و زندان کردند. بی تفاوتی مردم به روند این محاکمات و همینطور اقدام درست خانواده قربانیان مبنی بر تحریم این بیدادگاهها و بعدا تقاضای اعدام نکردن "متهمین" بطور گویائی پاسخ بند و بستهای سران رژیم اسلامی را میدهد. بررسی و روشن کردن حقایق این قتلها و همینطور پرونده جنایاتی که در طول حیات رژیم اسلامی علیه مردم ایران صورت گرفته است، تنها در صلاحیت دادگاههای مردمی است که با پائین کشیدن این رژیم و به محاکمه کشاندن سران و کاربدستان آن برپا خواهد شد. پرونده واقعی قتلهای زنجیره ای رژیم اسلامی تنها در چنین دادگاهی مختومه اعلام خواهد شد.

آب میفروشیم

حبیب الله بیطرف وزیر نیرو اعلام کرد که هیئت دولت مشغول بررسی مراحل صدور آب به کشورهای حاشیه خلیج است. قرار است سالیانه ۳۰۰ میلیون متر مکعب آب و هر متر مکعب ۲۵ سنت بفروش برسد که سالانه ۷۵ میلیون دلار درآمد برای دولت دارد. او اعلام کرد "گویتی ها ۲۵۰ برابر ایرانی ها برای آب پول میدهند". البته وزیر "اصلاح طلب" فراموش کرد که بگوید دولت متبوعش هفت ماه پیش مردم آبادان را بخاطر اعتراض به نداشتن آب و آلوده بودن آب شهر با فاضلاب وحشیانه به گلوله بست. بیش از ۱۱ نفر را کشتند و صدها نفر را زخمی و روانه زندان کردند.

پرونده موسوم به قتلهای زنجیره ای بعد از دو سال و چند ماه، طی نمایشی که "دادگاه" نامیده شد، با محکوم کردن چند عامل دست چندم رژیم اسلامی "مختومه" اعلام شد. ظاهرا اینمدت لازم بود تا بند و بست سران رژیم، روی پرونده ای که هنوز هم بقول حمید رضا ترقی از جمعیت موتلفه "علنی شدن جزئیات آن به نفع مصالح عموم مردم نیست"، به فرجام برسد. کل جمهوری اسلامی بعد از پایان این "دادگاه" نفس راحتی کشید. دو خردادیه منت میگذارند که به جریان افتان و به "فرجام رساندن" این پرونده نتیجه فعالیتهای آنان بوده است. راستها در عین حال طلبکار هم شدند. ترقی گفت "این قتلها در دوره دولت دوم خرداد اتفاق افتاده است و نهایتا دولت باید پاسخگو باشد". شریعتمداری شکنجه گر معروف گفت "در این ماجرا نظام و وزارت دلسوز اطلاعات مظلوم واقع شد و زیر فشار تبلیغاتی از داخل و خارج بود، حق اینها چه میشود؟" اما مستقل از این لفاظی ها همه شان توافق داشتند و مرتب تاکید میکردند که این پرونده "پیچیده" است و به "امنیت ملی" مربوط است.

بدون شک از نظر مردم ایران و خانواده های قربانیان این قتلها، این پرونده کماکان باز است و رژیم اسلامی بیش از هر کسی به این امر آگاه است. این قتلها ادامه دو دهه قتل و ترور و اعدام و کشتار جمعی توسط رژیم اسلامی است. این قتلها لحظاتی از کارکرد نظامی است که از بدو روی کار آمدنش تا امروز آدم کشته است. پرونده قتلهای زنجیره ای بسیار قطور است و تاریخ آن به قدمت کل حیات خونین حکومت اسلامی است.

مردم ایران مسببین واقعی این جنایات و ماهیت این بیدادگاهها را می شناسند. تعدادی آدمکش حرفه ای در راس رژیم نقشه قتل مخالفین سیاسی را ریختند و آنرا توسط

مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

پرونده همچنان باز است

mosaber@yahoo.com

مصطفی صابر

جمهوری اسلامی را بگیرند هم با رقبای جناحی تصفیه حساب کرده باشند. افسوس که اینجا هم از زیر پوست قهرمانان دوم خردادی پوشال بیرون زد. از میان نمونه های بسیار همین اشاره کافیتست که درست بعد از اعلام حکم کذایی، وزیر اطلاعات خاتمی بدو بدو به تلویزیون رفت تا بگوید حکم قاضی، ولو آنکه نقص و ایراد هم داشته باشد، "فصل الخطاب" است و رجز بخواند که وزارت اطلاعات چنین و چنان آماده سرکوب و جنایت است. با این "فصل الخطاب"، پرونده ملی و تتمه امیدهای دوم خرداد برای اصلاح پذیر جلوه دادن نظام بسته میشود. اما هردو جناح میدانند در همان حال بر اوراق پرونده دیگری افزوده میگردد. پرونده قتل بیست سال جنایت و قتل های زنجیره ای جمهوری اسلامی، سران و دست اندرکاران آن از جناح های مختلف. این پرونده باز است و با مبارزه مردم برای سرنگونی جمهوری اسلامی مدتی است که به جریان افتاده است!

حکم قاضی عقیقی صادر شد. معجونی از خون، اسلام، دروغ و بی حرمتی به انسان. کیهان دفعات "قصاص نفس" و زندان مندرج در حکم صادره این جانور "مستقل" قوه قضاییه را جمع کرد و درشت تیر زد: مجازات عاملان ۴ قتل، ۱۸ بار اعدام و حبس ابد و ۴۷ سال زندانی! با تکیه بر اصل منفور "چشم در برابر چشم" - مبنای فلسفه مجازات اسلام (و کم و بیش همه ارتجاع عالم) - کیهان داشت بطور ضمنی اعتراض میکرد که: «ب» ۱۸ بار اعدام و حبس ابد در برابر فقط ۴ قتل؟! بهمین کراحت. جمهوری اسلامی در یک تلاش سراپا افتضاح کوشید تا قتل های مخوف وزارت اطلاعاتش را به یک پرونده جنایی عادی تقلیل دهد و سر و ته آنرا در چهارچوب

در کنفرانس نهم تشکیلات سوئد حزب کمونیست کارگری شرکت کنید

قابل توجه عموم

کنفرانس تشکیلات سوئد حزب کمونیست کارگری در روزهای شنبه و یکشنبه ۱۷ و ۱۸ فوریه برگزار میشود.

شرکت در کنفرانس برای عموم آزاد است و علاقمندان میتوانند بعنوان ناظر در کنفرانس شرکت کنند. رسانه ها نیز امکان تهیه گزارش از کنفرانس را دارند.

تعدادی از کادرهای مرکزی حزب نیز در کنفرانس شرکت خواهند داشت.

این فرصت مناسبی برای آشنایی با تشکیلات حزب، اعضا و کادرهای آن، همینطور کادرهای مرکزی حزب، در اجلاس سالانه اعضای حزب در سوئد است.

برای ثبت نام و دریافت کارت ورودی و جزئیات بیشتر در مورد کنفرانس میتوانید از طریق شماره تلفن، فاکس و ای میل زیر تماس بگیرید.

Tel: (46) 070-765 3234

Fax: (46) 083 99734

E-mail Konfrans9@yahoo.se

کنفرانس سالانه تشکیلات آلمان

قابل توجه عموم

در روزهای ۱۰ و ۱۱ فوریه هفتمین کنفرانس سالانه تشکیلات آلمان حزب کمونیست کارگری ایران برگزار میشود. این کنفرانس علنی است و شرکت همه علاقمندان در آن آزاد است.

با شرکت در این کنفرانس ها میتوانید از نزدیک با کادرها و اعضای حزب در آلمان، همینطور کادرهای مرکزی حزب آشنا شوید.

از همه علاقمندان دعوت میکنیم برای دریافت اطلاعات بیشتر و رزرو جا با شماره تلفنهای زیر تماس بگیرید:

(0049)0172 874 4196

(0049) 0173 872 5185

رادیو انترناسیونال را روی اینترنت بشنوید

www.radio-international.org

انترناسیونال هفتگی را در ایران

و خارج تکثیر و پخش کنید

روزنه دات کام

www.rowzane.com

روزنامه اینترنتی روزنه کلیه اطلاعاتی ها و مقالات رسیده از نویسندگان و سازمانهای گوناگون را منتشر میکند روزنه هر روز منتشر میشود

آذر مدرسی رئیس هیات دبیران

0049-172 7823746

اصغر کریمی دبیر کمیته خارج

0044-771 4097928

رحمان حسین زاده - دبیر کمیته کردستان:

0046-739 855 837

محمد آسنگران روابط عمومی کمیته کردستان:

0049-177 569 2413

بهروز مدرسی - دبیر سازمان جوانان کمونیست:

0049172 295 7603

طول موج و ساعات جدید

بخش کردی

رادیو انترناسیونال

مدت برنامه بخش کردی به یکساعت افزایش می یابد

از ۱۲ بهمن برنامه بخش کردی رادیو انترناسیونال

هر پنجشنبه از ساعت شش و نیم

تا هفت و نیم به وقت تهران روی طول

موج ۳۱ متر برابر با ۹۴۵۰ کیلوهرتز

پخش میشود.

به همه دوستان و آشنایان و علاقمندان بویژه در شهرهای کردستان اطلاع دهید

در ضمن در همین طول موج و ساعت

روزهای دوشنبه - چهارشنبه - جمعه رادیوی

حزب کمونیست کارگری عراق (رادیو بوییشه

وه) نیم ساعت به زبان عربی و نیم ساعت

به زبان کردی برنامه پخش میکند.

سایت های حزب و نهادهای نزدیک به حزب روی اینترنت

www.haftegi.com

www.wpiran.org

www.rowzane.com

www.hambastegi.org

www.iwsolidarity.com

www.medusa2000.com

www.marxsociety.com

www.kvwpiran.org

Bank Account:

Z.I. Konto:

520 5164 008

BLZ: 10090000

Beliner Volksbank

Germany

Website:

www.haftegi.com

Email:

haftegi@yahoo.com

Fax: 0044-8701207768

انترناسیونال هفتگی

Address:

BM Box 8927

London

WC1N 3XX

England